[خیمه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/6023) [آبان 1387 - شماره 46](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/6023/6722/0)

**برای مقابله با شیوع خرافات در هیأت های زنانه؛ باید حوزه علمیه خواهران را تقویت کرد**

**گفت وگو با سهیلا قربانی، مدرس حوزه و دانشگاه**

|  |
| --- |
| در کلام گرمش می توانستی نوعی نگرانی از عواقب بی توجهی به آفت هایی که امروزه هیأت های مذهبی بانوان را تهدید می کند و راه رشد و شکوفایی این گونه تشکل ها را سد کرده است، احساس کنی! می گفت که هیأت های مذهبی چه زنانه و چه مردانه، مکانی برای فرهنگ سازی و رشد هستند؛ ولی عدم استفاده مناسب از چنین ظرفیت هایی باعث شده امروزه به جای اینکه بیشتر از ثمرات ارزشمند برگزاری این مجالس استفاده کنیم، به فکر مقابله با چالش های ناشی از عدم فرهنگ سازی برای برگزاری هر چه شایسته تر این مجالس و مبارزه با بیان و ترویج انواع خرافات باشیم.  هر چند بسیاری معتقدند که هیأت ها به خاطر اهداف والا و کارکردهایی که دارند، کمتر دچار آسیب های معنوی می شوند، اما «سهیلا قربانی» معتقد است که این گونه تشکل های مردمی هم مانند هر ساختار فرهنگی دیگر، اگر بدون نظارت رها شوند، می توانند در مدت کوتاهی راه انحراف را در پیش گرفته و در نهایت سبب گسترش خرافه و تضعیف ارزش های مذهبی شوند. او که در کارنامه فعالیت های دینی خود، تدریس در دانشگاه و حوزه های علمیه خواهران، مصاحبه های رادیویی و تلویزیونی، تالیف کتب مذهبی با محوریت آموزه های قرآنی، همکاری های متنوع با سازمان رسیدگی به امور مساجد و ... را به ثبت رسانده است، در اظهارات خود همواره تاکید می کند که اگر درست فرهنگ سازی کنیم دیگر کسی نمی تواند در مجالس ائمه اطهار هر چه خواست بیان کند یا انجام دهد.  **به باور کارشناسانِ مسایل مذهبی از آنجایی که در هیأت های زنانه به سبب نوع عملکرد و نحوه برگزاری آنها، امکان نظارت کمتری وجود دارد، آسیب پذیری این تشکل ها در مقابل آفت هایی که امروزه هیأت های مذهبی با آنها مواجه هستند، بیشتر است. به نظر شما نحوه آسیب شناسی هیأت های زنانه چگونه باید باشد؟**  بدون شک امروزه مهم ترین اقدام برای حفظ اساس و پایه های دین در جامعه اسلامی ایران، حفظ حیات معنوی و سالم نگاه داشتن فضای روحانی و معنوی هیأت هاست. با توجه به این که جمعیت بانوان در کشور ما بیشتر است، به طور طبیعی گرایش زنان به عرصه های مختلف به ویژه مسایل مذهبی نیز بیشتر است و به همین علت، همیشه ظرفیت های بسیاری نیز در این هیأت ها برای بهره برداری وجود داشته و دارد.  برای مثال، نگاهی به نحوه عملکرد هیأت های زنانه در زمان انقلاب، به ویژه در دوران دفاع مقدس نشان می دهد که هیأت های زنانه از مهمترین عوامل پیشبرد انقلاب و ترغیب نیروهای مردمی و تدارکات پشت جبهه و همچنین اعزام رزمندگان به جبهه های دفاع مقدس بوده اند. پس کاملا روشن است که این مجالس زنانه ـ بدون هیچ هزینه و زحمتی که بخواهد بر دوش ارگان های دولتی باشد ـ فی نفسه می توانند اهداف متعالی را تعقیب کرده و به ثمر برساند؛ ولی برای تحقق چنین آرمانی باید ظرفیت چنین تشکل هایی را به درستی شناخت و در جهت اهداف متعالی از آن بهره برد. در غیر این صورت، اگر به این ظرفیت ها توجه نشود، نه تنها ممکن است این تشکل های مذهبی منحرف شده و به سمتی خلاف آنچه شایسته آنهاست، حرکت کنند، بلکه ممکن است با از دست دادن جذابیت و کارآیی لازم، امکان جذب نسل های جوان تر به این هیأت ها را نیز از دست بدهیم.  اهمیت این موضوع در این است که اگر ما آسیب شناسی درستی بر روی آفت هایی که تشکل های مذهبی بانوان را تهدید می کنند، انجام ندهیم هرگز نمی توانیم آسیب زدایی درستی داشته باشیم. در صورتی که آسیب زدایی درست نباشد، امکان جذب نسل های جوان تر از اقشار مختلف جامعه را در این هیأت ها نخواهیم داشت. در حال حاضر هر چند زنان و دختران جوان نیز در این هیأت ها شرکت می کنند، ولی واقعیت این است که بیشتر شرکت کنندگان در این جلسات خانم های میانسال و مسن هستند. اگر ما بتوانیم جوانان را جذب هیأت ها کنیم، از آنجایی که آنها مستعدتر و منشا اثر بیشتری هستند، به طور طبیعی میزان بهره وری این هیأت ها نیز افزایش خواهد یافت.  **به نظر شما ایا آسیب زدایی از هیأت ها نقشی در جذب جوانان به هیأت ها دارد؟**  بله؛ امروز ما در جامعه با جوانانی سر و کار داریم که روحیات و گرایش های جدیدی دارند. یکی از دلایلی که باعث شده است دختران و زنان جوان ما آن چنان که باید و شاید در هیأت ها حضور نداشته باشند، این است که توقعات آنها از این محافل خیلی بیشتر است؛ ولی این هیأت ها در شرایط فعلی جوابگوی تمامی نیازهای آنها نیستند.  **مثلا چه نیازهایی؟**  دختران و زنان تحصیل کرده ما دوست دارند وقتی در این جلسات شرکت می کنند، در کنار بهره برداری معنوی بتوانند از مسایل جهان اسلام یا مسایل جهانی نیز مطلع شده و یا حتی بتوانند مشکلات خودشان را با دیگران به ویژه افراد دارای اطلاعات حوزوی و آگاه به امور دینی در میان بگذارند. ولی متأسفانه حضور خانم هایی (منظورم حاج خانم جلسه ای هاست) که تحصیلات دینی نداشته، به فنون تبلیغ مجهز نشده ، و در عین حال هم نمی توانند به خوبی با نسل های جوان ارتباط برقرار کنند، نه تنها باعث بی محتوا شدن و طرد قشر جوان و فرهیخته از این مجالس می شود، بلکه می تواند زمینه ساز بروز بسیاری از مشکلات دیگر نیز باشد.  **منظورتان چه مشکلاتی است؟**  باید واقعا خدا را شاکر بود که زنان جامعه ما این قدر مشتاق قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) هستند. همین عشق و اشتیاق، همیشه آنها را به سوی مجالس مذهبی می کشاند؛ ولی از آنجایی که عموم مردم تسلط قابل قبولی به مسایل دینی و فقهی ندارند، لذا قدرت تشخیص اهل فن و علم را از غیره ندارند. متأسفانه در بسیاری از موارد ما شاهد هستیم که در جلسات مذهبی یک حاج خانم جلسه ای صِرف داشتن یک بلندگو و خواندن ادعیه پربرکاتی مانند زیارت عاشورا (آن هم با کلی غلط) خیلی زود در بین مردم محبوب می شوند و پس از اینکه این امر به خود این خانم ها نیز مشتبه شد، خیلی زود خودشان را ذیصلاح تصور کرده و وارد مقوله های بسیار حساسی مثل احکام، تفسیر قرآن، تعبیر خواب و بیان ادعیه و اذکاری که در بسیاری از موارد هیچ سندی هم ندارند، می شوند.  ورود به چنین موضوعات و مسایلی نیازمند داشتن علم کافی است، ولی عدم اطلاع بیشتر مردم از درست و نادرست بودن موضوع های بیان شده در این جلسات، عاملی برای دامن زدن به خرافاتی شده که امروزه ما در سطح جامعه شاهد آن هستیم؛ خرافاتی مانند اینکه اگر مثلا 100 عدد تسبیح خریده، آن را نذر کرده و بین مردم تقسیم کنید، گره از مشکلات زندگی تان باز می شود! من همیشه گفته ام که اگر «آب باشد، مردم تیمم نمی کنند» و مطمئنم اگر زنان ما از غلط بودن مسایلی که برای آنها گفته می شود، آگاهی داشته باشند، حتما با آن مقابله می کنند.  **با توجه به مسائلی که به آنها اشاره کردید، ایا بهتر نیست خانم هایی که در هیأت های زنانه به عنوان سخنران یا روضه خوان فعالیت می کنند، دارای مدرکی از سازمان های مذهبی و فرهنگی باشند؟**  ما هر چند شاهد فعالیت زنانی هستیم که مرتکب اشتباهاتی می شوند ولی در همین حال، بانوان مداح بسیار خوبی نیز داریم که حدود خودشان را رعایت کرده و بدون اینکه در حوزه درس خوانده باشند، با تمام وجود برای رضای اهل بیت (ع) فعالیت می کنند. بنده چنین افرادی را رد نمی کنم؛ یعنی اگر یک مداح تحصیلات حوز وی نداشته باشد، مانعی برای مداحی نیست؛ ولی آنها هم باید حداقل مطالعاتی در زمینه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) داشته باشند و توجیه باشند که در حد بضاعت خودشان، فعالیت کنند و وارد عرصه هایی که نیازمند تحصیلات عالی است، نشوند.  در همین حال یکی از دلایل اصلی آسیب های محافل بانوان، عدم تفاوت ظاهری بین مبلغان اهل علم و تجهیز شده به علوم لازم، با بانوانی است که بدون صلاحیت لازم گردانندگی این مجالس را برعهده گرفته اند. من معتقدم که اگر عالمی (چه زن و چه مرد) در مجلسی حضور داشته باشد، خودش مطالب بیان شده را تصفیه می کند و مانع از بیان خرافات می شود. علما به تعبیر ائمه اطهار (علیهم السلام) مرزبانان دین هستند که مراقبند اغیار وارد نشوند، خرافات و زوایدی به دین اضافه نشده و از واجبات هم کم گذاشته نشود. البته باید گفت که در مجالس و هیأت های مردانه چنین مشکلی وجود ندارد و روحانیون به سبب تفاوت پوشش و لباس به راحتی برای مردم قابل تشخیص هستند. ولی در مورد خواهران روحانی چون نوع پوشش یکسان است، این امکان وجود ندارد. لذا برای حل این مشکل می توان پس از تایید، تجهیز و تغذیه علمی مستمر با صدور کارتی برای آنان، پرچم خاصی که بر سر در منازل نصب شود یا حتی گُل سینه ای و ... باتوجه به تخصص و صلاحیت، هر کدام از آنها را از دیگری متمایز کرد.  در این صورت مردم نیز با خیال راحت در مجالس مذکور شرکت کرده، از آب زلال و طهور قرآن و اهل بیت استفاده خواهند کرد و خیالشان مطمئن خواهد بود که اظهاراتی که این خانم جلسه ای بیان می کند، از فیلتر تشخیص مطالب درست از نادرست عبور کرده است.  **با وجود چنین اظهاراتی ایا شما احساس نمی کنید که هیأت های زنانه از کمبود مبلغان آگاه و باتجربه زن رنج می برند؟**  در طول سال های گذشته چنین کمبودی بیشتر وجود داشت. ولی بعد از انقلاب و با تأسیس مدارس علوم دینی و حوزه های علمیه خواهران در سراسر کشور این کمبود کمتر شده است. در واقع می خواهم بگویم که بنده دو عامل را در پررنگ شدن فعالیت حاج خانم جلسه ای ها، مؤثرتر از سایر موارد می دانم:  اول این که حوزه های علمیه خواهران و پیشنهاد استفاده از کارشناسان آنها ـ آن چنان که باید و شاید ـ به وسیل متصدیان امور فرهنگی و تریبون های ائمه جماعات به مردم و به ویژه زنان شناسانده نشده است.  گلایه دوم من از خود روحانیون زن است که احتیاط بیش از حد می کنند و وارد عرصه تبلیغ نمی شوند، یعنی حضورشان را در جامعه برای اداره کردن محافل اعلام نمی کنند و تصور می کنند که کناره گیری عمل مثبتی است. البته این تصور ناشی از بعضی احتیاط هایی است که برای خودشان لازم می دانند که این احتیاط ها را به امر تبلیغ نیز تعمیم می دهند. عامل دیگری که در این خصوص می توان به آن اشاره کرد، شاید عدم ترغیب، تشویق و پشتیبانی این نیروها توسط متصدیان امور فرهنگی کشور و مدیران حوزه ها باشد.  **تا زمانی که کارت یا شناسنامه ای برای این گونه افراد صادر شود، ایا شما با برگزاری کارگاه های آموزشی برای آسیب شناسی هیأت های مذهبی بانوان و شرکت این دسته از افراد در آن موافق هستید؟**  این کار می تواند هم نتایج مثبت و هم منفی در پی داشته باشد. اگر مدعوین این کارگاه ها حداقل تحصیلات لازم را دارا باشند، یقینا برگزاری چنین کارگاه هایی لازم، مفید و مؤثر است، کما اینکه ما طی سال های گذشته اردوهای آموزشی برای گروهی از بانوان طلبه مان داشته ایم که طی این اردوها به مسال تبلیغ و آسیب های تبلیغ اشاره می شد.  تعداد این جلسات هر چند کم بود ولی اثراتش برای ما بسیار زیاد بوده است. با این حال، نکته قابل توجه در انجام چنین کارهایی این است که چنین ارتباطات و فعالیت هایی بین مراکز فرهنگی، مذهبی و اعضای این واحدها همیشگی باشد تا اطلاعات آنها نیز با توجه به اقتضائات روز جامعه باشد. با وجود این، جنبه منفی برگزاری چنین کارگاه هایی وجود افرادی خواهد بود که حداقل معلومات و سواد لازم را ندارند و با نیت سودجویی وارد این عرصه شده اند. این افراد با چند جلسه شرکت در چنین کارگاه هایی مدعی خواهند شد که ما دوره آموزشی دیده ایم و مخاطبان هم باور می کنند که این افراد هر چه بگویند، درست است.  **البته در زمینه آسیب زدایی از هیأت های زنانه پیشنهاد دیگری نیز وجود دارد و آن ضابطه مند کردن فعالیت ها و برنامه های هیأت هاست. برای مثال در مدل ارائه شده توسط اداره کل تشکل های دینی و مراکز فرهنگی، هر هیأت باید در برنامه های خود، زمان معینی را به اقامه نماز جماعت، قرائت قرآن، بیان احکام، وعظ و خطابه، مداحی و اقامه مراسم مولودی یا عزاداری اختصاص دهد. عقیده بر این است که با چنین برنامه ای، تمام مدت زمان یک مراسم صرف مداحی نمی شود و فرصتی نیز برای وعظ و خطابه باقی می ماند. نظر شما در این مورد چیست؟**  به نظر من در ارائه چنین مدل هایی باید با انعطاف شرایط خاص مجالس زنانه و همچنین مناسبت ها را در نظر گرفت؛ چون نمی شود بدون توجه به عوامل مختلف برای یک هیأت زنانه به صورت خیلی دقیق زمان بندی کرد. مثلا شاید بعضی از ایام لازم باشد که از موارد ذکر شده در پرسش شما، به لحاظ زمانی قسمتی کم شود و به دیگری اضافه شود، یا اصلا یکی را حذف کرد. مثلا در شب ولادت امامان معصوم که مردم مشتاقانه برای شادی حاضر می شوند، شاید دیگر طبق برنامه لازم نباشد که ذکر مصیبت خوانده شود و باید برای اجرای مراسم شاد بیشتر وقت گذاشت. در مجموع آنچه من می خواهم بگویم این است که مقوله مسائل فرهنگی و مذهبی آن قدر پراهمیت است که در این حوزه ها به هیچ وجه نباید تصمیمات آنی و سطحی گرفته شود.  **شما چه پیشنهادی می دهید؟**  اگر به طور جزئی بخواهم بگویم، پیشنهادم این است که مراجع عظام تقلید، بزرگان دین و ائمه جماعات باید به طور مکرر اعلام کنند که بعد از انقلاب ـ بحمدالله ـ حوزه های علمیه ای داریم که روحانیون زن از آن فارغ التحصیل شده و وارد جامعه می شوند. در همین حال باید با تبلیغات رسانه ای به ویژه در صدا و سیما و حمایت مادی از حوزه های علمیه بانوان، برای رفع مشکلات آنها کوشید تا حوزه های علمیه خواهران بتوانند با تربیت مبلغان آگاه و توانمند به مقابله با شیوع خرافات در هیات های زنانه و مقابله با افرادی که چنین اقداماتی می کنند، بپردازند.  به نظر من در صورتی که از حوزه های علمیه خواهران حمایت شود، این حوزه ها می توانند با پرورش نیروهای انسانی و مجهز کردن این نیروها یا هماهنگ کردن علما و واحدهایی که مداح تربیت می کنند و همچنین حضور علنی در جامعه، فعالیت های خوبی را آغاز کرده و جای خودشان را در محافل مذهبی باز کنند و یقینا توده مردم هم آماده استقبال از چنین مبلغانی هستند.  در مجموع باید بگویم که مساله فرهنگ سازی در زمینه دین امر مهمی است که بدون حمایت های اساسی دولت و ارگان هایی نظیر سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه ها و از همه مهم تر صدا و سیما امکان پذیر نمی شود. به نظر من، چنین اتحادی بین مراکز فرهنگی، مذهبی و رسانه ای به ویژه در این برهه که فشارهای مختلفی از بیرون و درون، مردم ما را مورد آماج خودش قرار داده، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ایجاد چنین تعاملی بین نهادها و سازمان های مختلف، هر چند در ابتدا ممکن است دشوار باشد، اما به تدریج اثرگذار خواهد بود. اعتقادم بر این است که تصمیماتی که تا به امروز برای این مسائل گرفته شده است، از جامعیت برخوردار نبوده و تنها با مشارکت تمام نهادها و سازمان های مرتبط با این موضوع است که می توان با توجه به شرایط امروز جامعه، تصمیمی توأم با تدبیر برای حل چنین موضوعات حساسی گرفت.  **موضوع دیگری مانده که بخواهید خودتان به آن اشاره کنید؟**  حرف آخرم این است که همه ما خواهران و براداران باید به خاطر خدا، برای خدا و در راه خدا با یکدیگر متحد شده و با تجهیز خودمان به علم، اخلاق و شیوه های جدید تبلیغ از تمام ظرفیت های موجود در کشورمان برای پیشبرد اهداف مان در حوزه دین و فرهنگ استفاده کنیم.  به نظر من قبل از اینکه ما بتوانیم از ظرفیت های بزرگ مان استفاده کنیم، باید شروع به استفاده از ظرفیت های کوچک ولی بسیار مهمی که در دسترس مان است، کنیم. برای مثال، یکی از همین ظرفیت های خوب، ظرفیت موجود در مدارس است. در مدارس می توان دانش آموزان را بدون هیچ هزینه ای در کنار هم جمع کرد و تنها با یک ساعت سخنرانی مناسب آنها را به قرآن و اهل بیت متصل کرد. چیزی که به صورت درس به دانش آموزان آموخته می شود، بعد از امتحان از یاد آنها می رود ولی آموزشی که با عشق، علاقه قلبی و اتصال معنوی و روحانی به اهل بیت (علیهم السلام) و قرآن توأم باشد، همیشه در دل آنها می ماند. از سوی دیگر، اگر ما امروز که شیوع خرافه بین هیأت های بانوان هنوز آن چنان جدی نشده، برای مقابله با آن اقدامات درستی انجام دهیم، می توانیم این جریان را به تدریج محدود کرده و مانع از سرایت آن به سایر بخش های فرهنگی و اجتماعی کشورمان شویم. |